

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَانَتْهُمْ بُنْيَانٌ مَرَّضُوصٌ.<sup>۱</sup>

مقصد ما از این سفر زیارت این قیافه های نورانی و این چهره های درخشان به نور ایمان که راستی تا کسی نبیند این منازل را نمی تواند دریابد که اینکه رشید مردها چه کردند. ما البته می شنیدیم ولیکن شنیدن کی بود مانند دیدن! منازلی که در این بیابان ها دیدیم و قدرتی که از این مردان رشید که بدون تردید باید بر اینان اطلاق کلمه ی مرد بلکه جوانمرد کرد و این فتیان بودند که توانستند این منطقه را خلاص کنند و آنچه که آدم فکر کند بدون گفتگو کمیت فکر لنگ است. و سرش این است که این مرد در این قدرتی که نشان دادند به دنیا فهماندن قوت ایمان و قدرت یقین را و راستی دست و بازوی این مردم مجلای قدرت الهی شد. این داستان بازیچه نبود. یعنی بعد از پیدایش این انقلاب و ظهور قوت ایمان و قدرت دین در این مرز و بوم و آن هم قدرت ایمانی که از مرکز حکومت شیعه به وسیله شخص اول روحانیت تشیع جلوه کرد، کمر دنیا را شکست. این بود که خواه ناخواه تصمیم گرفتند که با این جنبش الهی آسمانی بجنگند و لکن وعده خدا این است که: يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ<sup>۲</sup> اینها می خواهند به پُفشان به جنگ نور خدا بیایند و این جنگ عاقبتش این شد که كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا<sup>۳</sup> و کلمه ی کفار سفلی مظهرش در خرمشهر است فعلاً و بدون تردید هر کسی اینجا بیاید و بگذرد از تمام این خرابه ها قدرت ایمان و دین را می بیند که آنان چه کردند و اینان چه کردند. وقتی این چهره ها را آدم میبیند و در مقابل این قیافه ها را آنها رفته اند و اینها مانده اند، در اینجا آنوقت می فهمد انسان که خدا در قرآن

---

۱. صف، آیه ۴. ترجمه: خداوند کسانی را دوست می دارد که در راه او پیکار می کنند گویی بنایی آهنین اند!

۲. صف، آیه ۸.

۳. توبه، آیه ۴۰.

مجید چه می فرماید: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ<sup>۴</sup>. ما هر چه بخواهیم تصور کنیم از مقام و منصب و فضیلت و مرتبت به گرد این کلمه نمی رسد که یک موجودی به جایی برسد که بشود محبوب خدا. این کلمه گفتنش آسان است که بشر به حدی برسد که بشود محبوب خدا. آن ذات مقدسی که مقصد تمام وجود است. هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ<sup>۵</sup> آن علم غیر متناهی و آن قدرت غیر متناهی و آن عزت غیر متناهی، ذاتی که ازل است و ابد، یک همچو مقام قدیسی این اظهار لطف را می کند به کسانی که در راه او می جنگند و آن اظهار لطف این است که مقاتلین در سبیل پروردگار محبوب خدایند. آن خدایی که محبوب وجود است، محبوب او کسانی است که مقاتل در راه اویند. از این عنوان دیگه بالاتر عنوانی تصور نمی شود. شارح صحیفه سجادیه، در صحیفه سجادیه در ذیل دعایی که امام چهارم برای اهل ثغور فرموده که شما مرزداران و شما نگهداران ثغور تشیع و اسلام. در این ماه مبارک رمضان این دعا را بخوانید و در جمله جمله ی این دعا تأمل کنید. در صحیفه سجادیه دعائه لأهل الثغور. دعایی که امام چهارم برای نگهداران مرزها دارد. این دعا، دعای عجیبی است. دعا خیلی مفصل است. کلمه ای که مقصود ما است این است که شارح صحیفه که از بزرگان فضلاء مذهب است برای معنای شهید وجوهی ذکر کرده. دو وجه خیلی عجیب کنار هم قرار داده شده که شهید را چرا شهید می گویند. یک وجه این است که شهید، شهید است به این جهت که خدا شاهد مقام قرب و قدس و بهشت برین است برای او. وجه دیگر که در این عداد ذکر می کند این است که شهید را شهید می گویند برای اینکه خورش شاهد اوست. این دو کلمه خیلی معنا دارد که شهید به جایی می رسد که دو تا شاهد دارد، یک شاهد شهید خداست، شاهد دوم شهید خون شهید است. از این کلمه ما چه می فهمیم. در قرآن مجید یک جا هست که خدا دو تا شاهد برای حقانیت پیغمبر

---

۴. صف، آیه ۴.

۵. حدید، آیه ۳.

خاتم ذکر می کند. قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ. به پیغمبرش که اشرف اولین و آخرین است خطاب می کند و می فرماید: بگو دو شاهد برای توست. یکی من، یکی کسی که عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ. پیغمبر خاتم دوتا شاهد دارد؛ یک شاهدش خداست شاهد دیگرش علی بن ابی طالب است که من عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ ، علی است. خب برای اثبات یک مدعا در مرحله قضا در دین بینه معین شده در درجه اول دوتا شاهد آن وقت برای خاتم دوتا شاهد یکی خدا، یکی من عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ. برای شهید دوتا شاهد؛ یکی خدا، یکی خون شهید. این کلمه می فهماند که خون شهید اینقدر ترقی می کند و اینقدر بالا می رود و اینقدر اوج می گرد که در مقام استشهاد خداوند عالم یک شاهد خودش را خودش قرار می دهد و شاهد دیگر خون شهید را. این مقام دیگه مقامی است که فوق تصور بشر است که یک خون آلوده این اندازه قدس و طهارت پیدا بکند که در ردیف ذات قدوس حق بشود شاهد برای این کسی که در راه خدا به خون خود غلطیده. این است که هیچ مقامی برای شهیدان و کسانی که در راه خدا کار می کنند بالاتر از سه آیه ی قرآن نیست و آن سه آیه بر شما جمعیت تطبیق می کند. کسانی که آمده اند اینجا، برای چه آمده اند؟ اینا آمده اند برای اینکه مرز تشیع را حفظ کنند و مرز اسلام را نگه دارند در مقابل حمله یک مردمی که ریشه ی الحاد و انکار مبدأ و معاد در حزب آنها حاکم است. بنابراین چنین جمعیتی که بیایند در یک همچو جایی برای دفاع از حریم دین اینها از سه صورت خارج نیست. از سه تقدیر طرز حرکت و قیام آنان بیرون نیست. یا می آیند و در این سرزمین کار خود را می کنند و به سلامت بر می گردند که امیدوارم خداوند بقیه ی این جیش مظفر و منصور را به برکت توجهات ولیّ وقت ارواحنا فداه با اجر کامل سالم به اوطانشان برگرداند. یک تقدیر این است. یک تقدیر این است که کسانی که حرکت می کنند به قصد نگهداری این مرز و بوم کشور

اسلامی در این انقلاب دینی و در این انقلاب روحانی و نصیبشان در این راه مردن می شود. این هم یک تقدیر است. تقدیر سوّم این است که حرکت می کنند می آیند به این سرزمین و نصیبشان مانند این چهره های درخشان به خون غلیظدن و تبدیل این زندگی عاریتی به زندگی جاوید می شود. سه صورت دیگه بیشتر ندارد و در این سه صورت سه آیه قرآن نقش شما را معین می کند که من به کلمه خدا که اصدق کلمات است وضع شما جوانمردان را در این مجلس روشن کنم. آن کسانی که حرکت کنند، بیایند برای حفظ حدود و ثغور مملکت اسلام و دفاع از حریم مقدس دین که از اظهر مصادیق خروج برای سبیل خداست. وقتی بیایند به این سرزمین و برگردند چنان خداوند عالم گناهان آنها را می آمرزد و آنچه را که انجام داده اند می بخشد که به دو نفر می گویند «ما مضی [مضی] فاستأنف العمل»<sup>۷</sup> آنچه که گذشت گذشت دیگه کار را از سر بگیر. یکی آن وقتی که حاجی آن هم با حج مقبول که حج مقبول از هر کسی ساخته نیست. امام ششم در میدان در روز عرفات در یک همچو سرزمینی وقتی اُبی بصیر رو کرد به امام و گفت امسال چقدر حجیج زیاداند فرمود: زجیج زیاد است حجیج زیاد نیستند. پرده را از مقابل نظر اُبی بصیر برداشت دید بیابان عرفات سراسر حیوانات مختلف الخلقه اند. این همه آدم غلاف آدم اند نیستند آدم خلاف آدم اند. آن کسی که حش قبول بشود همچنان که گره پرده ی احرامش را باز کرد به او می گویند: «ما مضی [مضی] فاستأنف العمل»<sup>۸</sup> آنچه که گذشت گذشت دیگه کار را از سر بگیر. این یک نفر است آن هم با حج مقبول آن هم آن حج مقبول نصیب که بشود. آن کسانی که بروند بقصد خدا که حجّ عبارت از قصد حقّ مقصود خدا باشد و به آن حجّ کامل برسند به آنان می گویند «ما مضی [مضی] فاستأنف العمل»<sup>۹</sup>. ولی گفته ی معتبر از کلام پروردگار از بیان معصوم

۷. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۷۹.

۸. همان.

۹. همان.

است که آن کسی که برای نگهداری از ثغور مملکت اسلام حرکت می کند و می آید همچنان که بر می گردد به خانه اش به او می گویند «ما مضی [مضی] فاستأنف العمل»<sup>۱۰</sup> تمام گذشته ها گذشت دیگر کار را از سر بگیر. این نصیب کسانی است که سالم به وطنشان برگردند. حداقل فایده ای که شما جوانمردان می برید این است که در اینجا می آید و می روید آن هم با این دنیای سراسر آلودگی، یکسره پاکیزه. کسانی که بیایند و در این راه به وسیله ای مرگشان برسد به تصادفی یا مریض بشوند بمیرند خدا درباره ی اینان چنین می فرماید: وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ<sup>۱۱</sup>؛ دیگره بالاتر مرتبه این است. کسی که خارج بشود از خانه اش در حالتی که هجرت کرده به سوی خدا و به سوی پیغمبر خدا؛ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ. ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ؛ بعد مرگ او را دریابد فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ این کلمه خیلی مهم است که خدا می فرماید اجر او بر خدا واقع شده، یعنی خدا خودش را در مورد او ضامن کرده. آن هم ضامن اجر به طور مبهم. وقتی خدا بفرماید اجر تو با من آن ذات غیر محدود معلومه چه اجری خواهد داد چون مزد دادن آن هم وقتی مزد ده خدا باشد خدایی که کرشم حد ندارد دیگر چه خواهد داد این هم نصیب کسانی است که در این راه مردن نصیبشان بشود.

اما شقّ سوّم؛ دسته سوّم کسانی هستند که در این راه خونشان ریخته بشود. برای اینها چی می گوید، برای اینها آنچه که می فرماید این است: وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ \* فَرَحِيمِنَا بِمَا آتَيْنَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ \* يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ<sup>۱۲</sup> اصلاً بقدری دیگره این مطلب بالاست که از عهده بیان خارج است. گمان نکنید کسانی که کشته شدند در راه خدا

۱۰. همان.

۱۱. نساء، آیه ۱۰۰.

۱۲. آل عمران، آیه ۱۶۹ تا ۱۷۱.

أموات اند بلّ أحياءٌ بلکه زندگان اند اما چه زنده ای أحياءٌ عند ربهم يُرزقون، أحياءٌ عند ربهم يُرزقون یعنی چه؟ اینها کسانی هستند که بر سر سفره خاصّ خدا می نشینند و آنچه مهم است این جمله بعد است. در قرآن نسبت به کسانی که به مقام کامل ایمان و عمل برسند برای اینها خدا می فرماید: فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَّلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ<sup>۱۳</sup> ولی نسبت به این کسان که در این راه کشته شدند نه تنها می فرماید أحياء، بلکه آنچه که مهم است قسمت دوم است عند ربهم يُرزقون، عند ربهم را در جای دیگر قرآن خدا بیان کرده فی مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ<sup>۱۴</sup> روز قیامت که می شود همه درجات دارند، مقامات دارند، یک عده صاحب مقام عند الربّ اند. عندیت ملیک مقتدر را دارند. آن دسته که صاحب این مقام اند کیانند؟ تراز اوّل بشریت و جوهه يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ \* إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ<sup>۱۵</sup> او یک مقامیه که هر کسی به آنجا نمی رسد، بزرگان عالم از نظر علمی و عملی که به تمام جهات کمال علم و عمل رسیده اند اینها لایق مقام عندیت حق هستند. آن وقت یک جوان هجده ساله می آید در این راه خودش ریخته می شود این بدون معطلی می رود تکیه می زند به همان جا که بزرگان بشریت آنجا تکیه زدند یعنی فی مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ<sup>۱۶</sup>. و لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحياءٌ عند ربهم يُرزقون<sup>۱۷</sup>. این است که خوشحالی تنها در آن زندگی نیست عمده در آن عند ربهم يُرزقون است یعنی خوراک اینها فوق کوثر و سلسبیل است. خوراک اینها فوق آن سفره های رنگین و لَحْمٍ طَيْرٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ<sup>۱۸</sup> است. اینها از سفره ی عندیت پروردگار روزی می برند. خب این قیافه هایی که می بینید اینها چه بختی

۱۳. نحل، آیه ۹۷

۱۴. قمر، آیه ۵۵.

۱۵. قیامت، آیه ۲۲ و ۲۳.

۱۶. قمر، آیه ۵۵.

۱۷. آل عمران، آیه ۱۶۹.

۱۸. واقعه، آیه ۲۱.

داشتند. چه اقبالی داشتند که اینان به این مفتی به یک مرگی که علی ای حال در کمین همه هست  
 منتها اینان زدند و بردند. این مردن برای همه هست. کسی نیست که بتواند بگریزد. به پیغمبر خاتم  
 فرمود: إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ<sup>۱۹</sup>. این شربتی است که همه باید بچشند. قُلْ إِنْ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُونَ  
 مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ<sup>۲۰</sup> همه می میرند اما  
 پدرشون را فردا درمیاریند. ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ اینها مردند  
 ولكن چه مردن عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ. فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ اینها فرح اند غرق بهجت اند و  
 نشاط به چه؟ به آنچه خدا به آنها داده، از کجا داده مِنْ فَضْلِهِ از خزینه ی بی پایان فضلش. اصلاً  
 بیان این کلمات در قرآن راستی گیج کننده است فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ خدا خودش داده  
 دیگه نه به وسیله ها، بواسطه یعنی اینها طرف سوداشون خدا است. این پدرهایی که این بچه ها را  
 از دست دادند، این مادرهایی که جوان ها را از دست دادند اینها این کلمات همیشه به نظرشون  
 باشه و بدانند که آنها باید حسرت داشته باشند و آنها که رفتند نهایت درجه ی عیش و شادمانی  
 آنان است. فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ  
 عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ اینها استبشار می کنند به آن کسانی که پشت سر ماندند یعنی آن جوان به  
 پدرش می گوید به مادرش می گوید به برادرش می گوید أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ. باز  
 این کلمه را به شما تذکر می دهم اگر معنای این کلمه را می خواهید بفهمید وَ يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ  
 يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ که یک عده به این آسانی به کجا رسیده اند.  
 آن آیه قرآن را بخوانید: أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ<sup>۲۱</sup>. کسانی که به مقام  
 اولیاء اللہی رسیده اند اینها دیگه به جایی می رسند که نه ترسی برای آنها است و نه حزنی. همه

۱۹. زمر، آیه ۳۰.

۲۰. جمعه، آیه ۸.

۲۱. یونس، آیه ۶۲.

فردای قیامت می ترسند. همه غمگین اند و لکن یک مشت جوان، کاسب، بقال، عطار، بزاز آن وقت میایند به یک مفتی جان دادن به عشق نگهداری کشور اسلام و مملکت جعفرین محمد الصادق و احیای اسم امام زمان به این عشق آمدن و جان دادن همین جوان با این شه پر شهادت خودش را می رساند به آشیانه ای که در آن آشیانه طاووس های علیین یعنی اولیاء الله منزل کرده اند اَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَا لَمْ يَحْزَنُوا. يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ مِّنَ اللّٰهِ وَفَضْلٍ اِیْنَ وَضَعِ اَنهَاسْت. وَضَعِ بازماندگان آنها هم دیگه بالاترین تسلیت، تسلیتی است که خود خدا به آنان می دهد. فقط آنچه که مهم است این است که شما پاکبازان که آمده اید در این راه فقط کاری کنید که دو نکته را هرگز فراموش نکنید. و این دو نکته در نظرتان باشد برای اینکه خیلی شما ارزش دارید.

من خودم مدتها است که آرزو داشتم که به این سرزمین و دیار سفری بکنم آن هم این سفر فقط به حساب اینکه خودم بیایم از این سفر استفاده کنم و فقط مقصد خودم این بوده که در مجلس شما شرکت کنم چون مجلس شما مجلس دعا است. و این دعا به نظر من مستجاب است. و تمام شرایط اجابت دعا در این سرزمین فراهم است. اصلاً خود من در اینجا برای تجارت آمده ام. برای کسب آماده ام. مفت نیامده ام اینجا. آیامی که گرفتار درس و بحث بودم که خود نمی توانستم. بعد که درس و بحث تعطیل شد بالاخره خواستیم ما هم کسبی کرده باشیم تجارتی کرده باشیم. بیایم یک شب در یک همچو مجلسی که شماها دعا کنید و ما هم در آن دعا... به دعوت یک بزرگ مردی که رأس روحانیت شیعه است و شما را فرا خوانده برای این میدان برای نگهداری دین و برای حفظ اسلام و برای صیانت قرآن پس بدون ترید شما مردم کسانی هستید که آمده اید فی سبیل الله بجنگید. سبیل خدا همین است. حفظ نوامیس شیعه امروز با شماست. حفظ جان این مردم با شماست و مهم تر از همه حفظ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلهَ اِلَّا اللهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا رَسُوْلُ اللهِ با شما



مردم است و حفظ این خاک مقدّس که وقتی چشم آدم به این خاک می افتد آن هم چه خاک پاک، خاک پاکی که از هر گوشه اش فردای قیامت خدا می داند چه گلی بر می خیزد.

سرخ رویی خواهی از دنیا به خون آغشته شو

هر شهیدی خیزد از گوری چو لاله ی احمری

آن وقت فردای قیامت این سرزمین وقتی سبز بشود یک مشت چهره های خونین همه بر می خیزند روایت در کمال اعتبار است که وقتی شهید سر از خاک بر می دارد اَوْدَا جُهُ تَشْخُبُ دَمَا خون از رگهایش فوران می زند و همان جوری که مرده باید برخیزد. حشر تو به صورت صفت خواهد بود. همانجور که مردی همانجور برمی خیزی. پس آنچه که لازمه فقط دو کلمه است آخر گفتگو شب گذشته است و مقصد من فقط توسل در این مجلس بود و استفاده از دعاهای آنفاس قدسیه ی شما. آنچه که لازم میدونم این است که شما که با یک همچه مقامی روبه رو شدید و همچه سعادت نصیبتان شده بدانید که شیطان در کمین شماست چون هر مقامی که بزرگ تر است کمند شیطان برای آن مقام قوی تر است. کمند برای شما هم قوی تر است. کاری کنید که خلوص و اخلاصتان برای خداوند متعال از میان نرود و این حال را هی به تمرین در خودتان زنده نگه دارید که در هر حال از این سه صورت بیرون نیست و مسلم به عنایت پروردگار و به حول و قوه حق و به پیشامد ماه مبارک رمضان امیدوارم به ذات مقدس پروردگار متعال این چند دعا را آمین بگویید با حضور قلب به ذات مقدس پروردگار متعال فردا جمعه ی آخر شعبان است و امشب شب مهمی است شب جمعه آخر ماه شعبان. و این همان جمعه ای است که رسول اکرم در آن خطبه خواند و مردم را آماده باش داد برای اقبال شهرالله و گفت شما اید سیف الله. در پیشامد ماه مبارک رمضان که ماه خداست. و در آن ماه خونی ریخته می شود که مانند آن خون روزگار به

خود ندیده. سیدالشهداء من الأولین و الآخیرین و مقدّس ترین خونی که در عالم ریخته شده همان خون است که در صبح نوزدهم ماه رمضان در مهراب مسجد کوفه ریخته شده. این مقدّس ترین خون است که در عالم وجود روی زمین ریخته شده چرا؟ برای خاطر اینکه حسین بن علی هرچند سیدالشهداء است ولکن باز در مقابل این پدر که برسد این پدر بنسبۀ به او می شود سیدالشهداء. خونی در محراب مسجد کوفه ریخت که این خون را روزگار ماندش را ندیده کجا روزگار دیده که یک ذاتی که آن ذات ولادتش در خانه ی خدا. شهادتش در خانه ی خدا.

ندیده کسی در جهان این سعادت      به کعبه ولادت به مسجد شهادت

اصلاً یک همچه موجودی روزگار به خود ندیده. در بیت الله آمد و از بیت الله هم جانش گرفته شد. خونی که چنان ملکی در عالم انداخت که جبرئیل بین زمین و آسمان داد زد تهدمت واللّه ارکان الهدی، انفصمت والله العروۃ الوثقی. یک همچه خون مقدسی. این است که من خدا را قسم می دهم به خودش و به خون پاکی که در ماه خودش بر روی زمین ریخت خداوند این جنگ را منتهی کند به فتح تمام ممالکی که در چنگال کفر و شرک گرفتار است. و همه آنها مسخر بشود به دست شما رادمردان و بیاید زیر بیرق علی بن ابی طالب و شما هم به سلامت به اوطانتان برگردید. اول این خواست را از خدا داریم و امیدواریم که این دعا مستجاب بشود و شما همه سالم برگردید و آن کسانی هم کشته شدند دیگه محتاج به دعای ما نیست بعد از آن وعده هایی که خدا داده. آنها هم در سعادتشون همین اندازه بس که مجرد اینکه در این هوای داغ جان دادند بدون گفتگو شربت از دست یک همچه کسی گرفتند و نوشیدند و جان دادند. آن کسی که گفت: **يَا حَارُّ هَمْدَانَ مَنْ يَمُتْ يَرِنِي**<sup>۲۲</sup> آیا می شود به بالین این جانان نیامده باشد آیا می شود آب کوثر به اینان نداده باشد. آنان هم که به اجر خود رسیدند. فقط امیدوارم خداوند متعال به عظمت

---

۲۲. بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۲۱.

خودش و به عزت و قداست خون مقدسی که در ماه آینده به نام او ریخته می شود خلوص شما را برای خودش حفظ کند و شما را در هر حال مخلص و وفادار به خودش قرار بدهد و هرگز امام زمان و ولی عصر را از مد نظر شما نبرد. دو کلمه را فراموش نکنید یکی خدا را و دیگر امام زمان را که او مبدأ فیض است و این هم واسطه فیض و بدانید که در هر حال دنیا و آخرت مال شما رادمردان است و امیدوارم خداوند تمام شما را در یک همچو شب جمعه ای مورد عنایات خاصه ی ولی عصر قرار بدهد.

الان هم بهتر از همه این است که آخر مجلس است، شب جمعه است و چنین ساعاتی که در این ساعات انبیاء مقربین همه عازم قبر شش گوشه می شوند و اینجا یک حدیث برایتان بگویم ولو شب گذشته اما مجلس شما خیلی غنیمت است. أبو حمزه ثمالی در آن زمان اضطراب حکومت جور تصمیم گرفت برود به زیارت سیدالشهداء حسین بن علی. حرکت کرد با آن همه شدت و فشار حکومت آن هم در زمان امام چهارم این مرد تصمیم گرفت برود به زیارت قبر امام. حرکت کرد آمد با چه خون دلی شب ها را راه می رفت و روزها در میان یک گودالی خود را پنهان می کرد که مأموران حکومت بنی امیه او را نبینند تا خودش را رساند نزدیک حائر مقدس حسینی. همان حرمی که تمام شما به عشق آن حرم اینجا نشسته اید وقتی رسید نزدیک خیلی خرم و خوشحال که امشب را من به زیارت شرفیاب می شوم همچنان که آماده شد برود رو به حرم یک وقت دید یک قیافه نورانی چهره مطلععه ای سر راهش را گرفت گفت: أبو حمزه امشب حق ورود نداری. گفت: آخر من این همه جان کنده ام، به عشق این حرم آماده ام، قیافه تو هم به مأموران حکومت بنی امیه نمی ماند چرا نمی گذاری من به زیارت این امشب حرم نائل بشم. جواب نداد گفت: أبو حمزه حق ورود به این آستانه نداری. دو مرتبه اصرار کرد. ابو حمزه ی ثمالی خیلی بزرگ است یکی از حواریین امام چهارم است صاحب دعای ابی حمزه ثمالی است و

چنین کسی دارای این مقام است. مرتبه سوّم که اصرار کرد گفت أبو حمزه از آن مقامی که تو در درگاه خدا داری مرا دیدی و من برای تو متمثل شدم تا این مطلب را به تو بگویم. من یکی از آن چهار هزار ملکی هستم که وقتی ناله غربت حسین بن علی بلند شد ما خودمان را به این سرزمین رساندیم برای کمکش. وقتی رسیدیم که سر مقدسش بالای نیزه بود. وقتی با این منظره روبه رو شدیم از پروردگار درخواست کردیم دیگر به عالم بالا برنگردیم. جان ما قربان قبر تو یا ابا عبدالله. این چه حرمی است که ملکی که از عرش آمده چنان دلبنده این تربت میشه که خاک قبر او را بر عرش خدا ترجیح می دهد ما از خدا خواستیم که در این سرزمین بمانیم و جزء وراثت این حرم باشیم. امشب به ما مأموریت دادن که اُحدی از جنّ و انس را نگذاریم وارد حائر بشود گفتم مگر چه خبر است. گفت ما خبر نداریم ولی این اندازه می دانیم کلیم الله موسی بن عمران روزگاری است که حاجتی به درگاه پروردگار دارد و از خدا می خواهد که آن حاجت برآورده بشود امشب به او اجازه دادند که بیاید کنار قبر حسین بن علی دعا کند که خداوند حاجت او را برآورد. چنین قبری و چنین حرم.

خدایا به خون مقدس سیدالشهداء حسین بن علی پروردگارا به یک همچو وقتی که تمام صفوف انبیاء الان متوجه اون قبر شش گوشه هستند و تمام ملائکه مقربین برای زیارت آن قبر می آیند اسم این جمعیت را هم در دفتر زوار شب جمعه ی حسین بن علی ثبت کن. حالا که با دعا و آمین شما مردمان روشن ضمیر با این خلوص این دعا به نظر من مستجاب است یک سلام کنیم دیگر، که ما همه امشب بشویم زوار سیدالشهداء و بهتر از همه هم این است این کار را بکنیم همانجور که میگوییم اینجور نیت کنید این سلام رو می کنیم بعد شما این سلام را ثوابش را یعنی ثواب سلامی که می کنید در کارهایی هم می کنید بعد از این راه را فراموش نکنید ثواب هر کاری که می کنید این کار را بکنید که میگوییم برایتان یعنی عملی را که انجام میدید هر عملی می خواهد باشد ولو

زیارت سیدالشهداء، احسان به فقیری، رفتن به میدان جنگی، هر عملی که باشد. ثوابش را در درجه اول نثار کنید برای روح مقدس خاتم النبیین و ائمه ی طاهرین. آنها احتیاج به ما ندارند ولکن،

برگه سبزی است تحفه درویش چه کند بینوا همین دارد

ران ملخ را باید پیش سلیمان برد، سلیمان به ران ملخ احتیاج ندارد ولی وقتی ران ملخ بردی فایده اش این است دست به سرت می کشد آن وقت تاج دار می شوی. این عمل را ثوابش را نثار کن به روح ائمه هدی عمل قبول می شود دیگه رد نمی شود وقتی نثار کردی. ثواب این اظهار اخلاص را به پیغمبر و جانشینانش نثار کن به روح تمام انبیاء مرسلین از آدم تا عیسی بن مریم باز ثواب نثار به روح انبیاء را نثار کن به روح همه مؤمنین و مؤمنات این جور هی نرخ عمل را بالا ببر در تجارت زرنگ باش. اینجور سکه عمل را بالا می بری بعد همان عمل را که باز ثواب خدمت و اظهار اخلاص به انبیاء را نثار کردی برای روح مؤمنین و مؤمنات ثواب این احسان به تمام مؤمنین و مؤمنات را نثار کن به روح ارحامت که صله رحم بجا آورده باشی. ثواب آن صله رحم را باز نثار کن برای پدر و مادرت. این سلامی هم که امشب می کنی به همین نیت این کار را بکن بالاخره در آخر کار الان وقتیه که این مردم پاکی که به ما خدمت کردن و به تمام این مملکت فراموششان نکنید. باز ثواب احسان به پدر و مادرت را چون خود احسان به پدر و مادر خیلی ثواب دارد که به این سیر تصاعدی در عملت بالا بردی این ثواب را نثار این شهیدان کن. آنوقت اینان هم از پیغمبر استفاده کردن هم از انبیاء استفاده کردن هم از ائمه استفاده کردند هم از مؤمنین و مؤمنات استفاده کردند حالا وقتیه که با حضور دل همه بگوییم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ عَلَى  
الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ وَأَنَاخَتْ بِرَحْلِكَ عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ  
وَ لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكَ السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى أَوْلَادِ  
الْحُسَيْنِ وَ عَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ.

بار الهی بخون مقدس سیدالشهداء حسین بن علی، پروردگارا بخون مقدس پدر حسین بن علی،  
خدایا تو را قسم می دهیم به مادر حسین بن علی، پروردگارا تو را قسم می دهیم به جدّ امجد  
حسین بن علی، تو را قسم می دهیم به برادر و فرزندان حسین بن علی، پروردگارا تو را قسم می  
دهیم به ذات قدوس خودت، خدایا به ارواح تمام انبیاءت، خدایا به نفوس قدیس تمام اولیاءات،  
خداوندا تو را قسم می دهیم به تمام اسماء حسناءات، بار الهی تو را قسم می دهیم بحق قرآن و  
بحقّ صاحب قرآن، تو را بحق قرآن و آورنده ی قرآن، تو را بحق قرآن مبین و مفسّر قرآن، تو را  
بحقّ قرآن و آیه آیه قرآن، تو را بحق قرآن و اسم اعظمت در قرآن که:

امشب حوائج امام عصر را برآور.

فرج ولی زمان را برسان.

خدایا تمام مشکلات و مصائب را از ممالک اسلامی رفع کن.

بار الهی به آنچه تو را به او قسم دادیم و به آنچه که نزد تو است از مقدسات تو را قسم می دهیم  
که ریشه اسرائیل را بکن .

خدایا مردم بیچاره لبنان را نجات بده.

پروردگارا ریشه مردمانی که طمع به این مملکت دارند چه از کفار بعث عراق و چه از بقیه کفار در شرق و غرب قلع و قم بفرما.

خدایا ارواح کسانی که در راه حفظ این انقلاب مقدس جان خود را نثار کرده اند با سیدالشهداء محشور کن. به بازماندگانشان اجر جزیل و صبر جمیل عنایت بفرما.

خدایا به آن کسانی که الان در میدان جنگ اند به آنان کمک کن

خدایا به این سربازان مدد کن. خدایا به قوت خودت اینان را غنی کن خداوندا به قدرت خودت اینان را مقتدر کن. خدایا به عزت خود اینها را عزیز کن پروردگارا مخالفین و معاندین و دشمنانشان را مخدول و منکوب بفرما. واجعل اللهم عواقب أمورنا خیراً.

[تکبیر رزمندگان]

[www.hr-fallah.ir](http://www.hr-fallah.ir)

[hrfallahtafti@gmail.com](mailto:hrfallahtafti@gmail.com)

[hrfallahtafti@yahoo.com](mailto:hrfallahtafti@yahoo.com)